

زلزلهٔ ترامپ با اروپا و بقیه چه می‌کند؟

بمب اتمی تعرفه



«دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا با همه جنگ دارد و به همین دلیل از مسیر تغییرات هویتی، دچار سیالیت هویتی هم شده است. او با برخی از اعضای خانواده خود مانند برادرزاده‌اش اختلاف دارد، دو طلاق را ثبت کرده و معشوقه‌های زیادی نیز بصورت موقت داشته است. وی همچنین ابتدا عضو حزب دموکرات و سپس عضو حزب جمهوری خواه‌شد و همین امروز به منشأ اختلاف وواگرایی در این حزب تبدیل شده است. ترامپ که تا مدت‌ها بر هویت نیویورکی خود تأکید می کرد، از میانه دولت اول خود از طریق توجه بیش از اندازه بر عمارت مشهورش با نام «مارنه لاگو» هویت فلوریدایی یافت. او پس از پایان دوره‌نخست ریاست جمهوری اش، عملاً در این ایالت مستقر شد. تغییرات خانوادگی، محل زندگی، حزب، تغییر تیم دولتی و مواردی از این دست، تهور ترامپ در ایجاد تغییرات را نشان می دهند. شاید به همین دلیل باشد که او توسط جمعی از صاحبان قدرت برای اعمال تغییرات بزرگ برگزیده شد تا برای رسیدن به ریاست جمهوری حمایت شود. ترامپ که مدت زمان زیادی از استقرارش در کاخ سفید نگذشته است، پس از رقم زدن عجایب زیادی در عرصه جهانی مانند تش بر سر اورکراین، حملات لفظی به اروا و تهدید ایران، دست به اعمال تعرفه‌های سنگین و گسترده‌ای در عرصه جهانی زده است. ترامپ اواخر هفته گذشته بر ۱۰۰ کشور تعرفه اعمال کرد. بالاترین نرخ تعرفه‌ها شامل چین با ۳۴ درصد، ویتنام با ۴۶ درصد، تایلند با ۳۶ درصد، کامبوج با ۴۹ درصد، کره جنوبی با ۲۵ درصد و ژاپن با ۲۴ درصد می شود. رئیس جمهور آمریکا همچنین بر تمام خودروهای وارداتی، ۲۵ درصد تعرفه اعمال کرده است. کن راگاف، اقتصاددان سابق صندوق جهانی پول (IMF) در توصیف این اتفاق گفته است «او (آقای ترامپ) همین حالا یک بمب اتمی روی سیستم تجارت جهانی انداخت.» در مقابل اقدام دولت ترامپ برخی از کشورها از جمله چین بر اعمال تعرفه‌های مشابه تأکید کرده و برخی مانند استرالیا نیز تهدیداته واکنش تعرفه‌ای به آمریکا نخواستند داشت.

➤ **ریشه‌های مشکل کجاست؟ راه‌حل همان جاست**

اقتصاد آمریکا و جایگاه جهانی این کشور بنابه دلایلی دچار مشکل شده است و ترامپ قصد دارد با سیاست‌ها و طرح‌های عظیم، صحنه را عوض کند.

۱. **چاپ پول و انتشار اوراق بهادار هم جوابگو نیستند**

کسری تجاری برای آمریکایی که با چاپ پول دست به واردات اضافی برای ساخت جامعه‌ای مرفه و انباشت سرمایه می‌زد، در اوایل یک موهبت بود. آمریکا دلار را به ارز جهان تبدیل کرد و پس از آن مسابقه‌ای برای کسب این ارز آغاز شد. کشورها مجبور بودند با صادرات کالا به آمریکا، دلار به دست آورند. دلاری که آمریکا به این کشورها می داد، فاقد پشتوانه بودند. در این پدیده کسری تراز تجاری به زیان آمریکا رخ می داد، اما این اتفاق نشانه‌ای از عقب افتادن واشنگتن تلقی نمی شد زیرا معنای کسری تراز تجاری مابین آمریکا و باقی جهان، معنای دیگری داشت.

امروزه واشنگتن علی‌رغم چاپ پول به مشکل خورده است. مشکل اما به نظر شاید

عمیق تر باشد زیرا این کشور برای تأمین مالی، ده‌ها تریلیون دلار اوراق بهادار منتشر کرده است. صاحبان این اوراق آن‌ها را خریداری کرده و پس از مدتی باید پول و سود آن را دریافت کنند. دولت آمریکا با چاپ پول و انتشار اوراق بهادار به اقتصادی پفکی دچار شده که گرچه ابعاد بزرگی دارد، اما ضربه پذیر نیست. اگر توانمندی نظامی آمریکا دچار افول شود یا اثر خود را از دست بدهد، با جایگزینی دلار این کشور افول اقتصادی بزرگی را تجربه خواهد کرد. روند نکتز قدرت جهانی که به شکل همه جانبه به پیش می رود، قدرت نظامی آمریکا را به چالش کشیده و در نتیجه، دولت هادرصد جایگزینی دلار و خالص کردن خود از وابستگی کامل بر آمده‌اند.

۲. **تکمیل و تقویت چرخه مالیات گیری**

بسیاری از کارخانجاتی که کالا‌های مورد نیاز جامعه آمریکا را تولید می کنند، در کشور های دیگر واقع شده‌اند. این مسئله باعث شده تا توانایی دولت آمریکا برای جمع آوری مالیات کاهش یابد. شرکت‌های مزبور مالیات خود را به کشور میزبان می دهند. از سوی دیگر مالیات دیگری نیز از کارگران و کارمندان شرکت‌های تولیدی اخذ می شود. همچنین به دلیل حضور این کارخانجات، وظیفه دولت میزبان برای اشتغال زایی تسهیل شده و نیاز به تحریک و تقویت بازار کار کاهش می یابد. در چنین شرایطی دولت آمریکا زایش عمده مهمی از رنج‌پره مالیات بیرون می مانند. شرکت‌های تولیدی و کارگزارانشان خارج از دایره شمول مالیات گیری دولت آمریکا قرار دارند و تنها زمینه رایی کسب در آمد، اعمال تعرفه بر کالا‌های وارداتی است. با این حال تعرفه‌ها باید کسی از مشکل مالیات گیری دولت آمریکا را حل کنند، اما این دولت در فقدان حضور کارخانجات تولیدی مجبور به مداخله در بازار برای تقویت تولید و اشتغال خواهد بود.

۳. **انباشت سرمایه برای رقابت فناوری و اقتصادی با چین و شرایط جدید**

دولت آمریکا در برنامه جدی برای کسب سود کلان برای سرمایه گذاری در رقابت های جهانی را آغاز کرده است. اولین مسیر که در دوره اوایما به شکوفایی رسید، در دوره ترامپ اوج گرفت و بایدن نیز آن را ادامه داد، صادرات انرژی مبتنی بر نفت شیل بود. تحریم نفت ایران، و نزول و روسیه تماماً به افزایش درآمدهای صادرات انرژی آمریکا کمک کردند. صادرات انرژی خائیه سود بالایی دارد. اعمال تعرفه های حداقل ۱۰ درصدی نیز سود خالص عظیمی برای دولت آمریکا خواهد داشت آن هم در شرایطی که سود کسب وکارهای عالی در جهان بین ۳ تا ۱۰ درصد است.

واشنگتن تنها بر چین به عنوان بزرگترین شریک تجاری خود، تعرفه ۳۴ درصدی وضع کرده است. درآمدهای عمده و کلان به دولت آمریکا اجازه می دهد سرمایه گذاری های سنگین و مستقیمی بر فناوری‌ها داشته باشد تا بتواند مانع از برتری چین شود. به نظر می رسد اسالی ترین میدان رقابت، حوزه هوش مصنوعی باشد.

۴. **ضربه به شرق آسیا و پیوسته تر کردن آمریکا به آن**

تعرفه‌های آمریکا بیشتر از آمریکا باشد و شرق آسیا و دولت‌های چین، تایوان، ژاپن، کره جنوبی، ویتنام، تایلند و کامبوج ضربه وارد می کنند. تعدادی از دولت‌ها در تاپیه، توکیو و سنول جزء اصلی ترین متحدان واشنگتن در عرصه جهانی اند و اعمال تعرفه بر آن‌ها آشکار می سازد که چین تنها هدف تعرفه‌ها نیست. تعرفه‌ها علیه کشور های شرق آسیا بیشتر از دیگر مناطق بوده و به دلیل اهمیت و ابعاد اقتصادی این منطقه، اساس جنگ تعرفه‌ای بر این منطقه استوار است. دلیل تمرکز بر شرق آسیا

تغییر نقطه ثقل اقتصاد و فناوری جهان از غرب به این منطقه است. این تغییر باعث شده تا آمریکا نیز از دوران اوایما رئیس جمهور سابق این کشور، درصد بازتعریف جغرافیای خود برآید. تا پیش از جنگ جهانی دوم، آمریکا با شرق آسیا همگرایی نشان می داد اما پس از آن، پیوندهای دوسوی آتولیتیک از اروپا تقویت شد. از دوران اوایما به بعد اما آمریکا بار دیگر درصدد تعریف جغرافیایی خود در قالب و ارتباط با شرق آسیا برآمد.

تعرفه‌ها تنها به ظرفیت‌های اقتصادی شرق آسیا ضربه می زند، بلکه ابزاری به آمریکا برای بازیگری در قالب این منطقه است.

➤ **جهت گیری های ضد چین**

وضع تعرفه‌ها سگری شدیدی علیه چین دارد اما همه هدف آمریکا این کشور نیست. با این حال به دلیل حجم تجارت عظیم مابین دو کشور و تراز تجاری بی سابقه‌ای که به نفع چین است، این تعرفه‌ها ضربات سنگینی به پکن وارد می کند.

۱. **تولید زایی از چین**

جنگ تعرفه‌ای می تواند ضربات مؤثری به چین وارد کند. بالاترین تعرفه‌ها بر چین وضع شده است. در این وضعیت، کارخانجات تولیدی باید به آمریکا بروند، یا آن‌ها که نمی خواهند و نمی توانند به این کشور بروند، باید چین را ترک کنند.

۲. **ایجاد رکود در اقتصاد جهانی و تقویت بازارهای داخلی در جهان**

ایجاد رکود اقتصادی می تواند به کاهش شانسید درآمدهای چین منجر شود. پکن با انباشت درآمدهای حاصل از صادرات خود در حال سرمایه گذاری و تقویت حوزه های رقابت راهبردی مانند حوزه هوش مصنوعی است. اگر اقتصاد جهان دچار رکود شود، مشتریان کالا‌های چینی نیز کمتر خواهند شد. این اتفاق از دو مسیر رخ می دهد. نخست آنکه در آمد کشورها به دلیل تعرفه‌های آمریکا کاهش می یابد و در نتیجه آن‌ها پول کمتری برای واردات خواهند داشت. دوم آنکه با کاهش صادرات، کشورها خواهند کشید بازار خود را به سمت خرید کالا‌های ساخت داخل سوق دهند که به معنای ایجاد یک عامل محدودکننده دیگر در واردات است.

۳. **موازنه دستاوردهای چین با استرس چین**

اقدامی که ترامپ در اعمال تعرفه‌ها ترتیب داده است، با ایجاد دورنمای رکود در بازار های جهانی، باعث کاهش قیمت نفت شده است. کاهش قیمت انرژی می تواند با کاهش هزینه تولید در چین، به شرکت های این کشور برای تحمل تعرفه های سنگین کمک کند. با این وجود به نظر می رسد اقدامات ترامپ در غرب آسیا که در آن تهدیدات نظامی علیه ایران و محور مقاومت انجام شده، تلاشی برای جلوگیری از سقوط بیش از اندازه قیمت نفت بوده است. با این حال، کشورهای اوپک پلاس نیز با اعلام ادامه افزایش تولید، نفت به کاهش قیمت نفت دامن زده‌اند. برخی معتقدند این تصمیم در از اطمینان بخشی به مشتریان نفت در پی کاهش قیمت نفت برای ثباتی در غرب آسیاست اما در این مسئله شاید موارد دیگری وجود داشته باشند.

احتمال دارد اوپک پلاس درصد ضربه به نفت شیل آمریکا برآمده باشد زیرا کاهش بیش از اندازه قیمت نفت می تواند تولید نفت شیل را از صفره بیندازد.

ترامپ برای جلوگیری از کاهش درآمده صادرات انرژی در زمان اعلام تعرفه‌ها، درصد است تا با رفع محدودیت های زیست محیطی در برداشت انرژی که توسط

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

آن استوار است که هدف اصلی آن جلوگیری از استقرار هرگونه نیروی رقیب یا متخاصم در نزدیکی مرزهایش است. در زمان حکومت اسد، سوریه به‌عنوان یک نقطه کلیدی در «محور مقاومت» عمل می کرد و میزان نیروهای مقاومتی ایرانی و حزب الله بود که سلاح‌ها را از طریق خاک سوریه به لبنان انتقال می دادند. وجود ارتفاعات جولان که از سال ۱۹۶۷ توسط رژیم صهیونیستی اشغال شده است، این نگرانی را دوچندان می کند و ثبات سوریه را به یک مسئله مستقیم امنیت ملی تبدیل می کند.

پس از سقوط اسد، رژیم صهیونیستی خلأ قدرت را غنیمت شمرد و با افزایش ضربات هوایی بیش از ۶۰۰ حمله در مدت ۱۰ روزه به دارایی های نظامی سـوریه حمله کرد تا از انتقال آن‌ها به دست نیروهای جدید، به‌ویژه نیروهای سلفی جدیدی جلوگیری کند که توسط ترکیه حمایت می شوند. به اشغال در آوردن یک منطقه با مساحت ۴۰۰ کیلومتر مربع در جنوب سوریه به‌عنوان منطقه حفاظتی، نمونه‌ای از تجاوزهای است برای ختنی سازی تهدیدات احتمالی ترکیه و برخی نیروهای اسلام‌گرای است که با رژیم تل آویو دشمنی دارند. رژیم تل آویو به بهانه حمایت از اقلیت دروز که با جامعه دروز رژیم صهیونیستی پیوندهای نزدیکی دارد، سعی کرده به تجاوزها و تصرفات خود مشروعیت بخشد و توانست در این جنگ نیابتی از برخی نیروهای دروزی بارگیری کند. از منظر اسرائیل یک، یک سوریه به‌ضعیف‌شده و غیرمتمرکز، اولویت اصلی برای رژیم تل آویو است و بهترین سناریو برای این رژیم لیبرالیسم و تجزیه و دفاکتو است.

➤ **سناریوهای پیش رو**

تحولات اخیر چندین سناریوی محتمل برای آینده را ترسیم می کنند، به طوری که سوریه ممکن است به میدان نبرد دیگری برای یک جنگ نیابتی تبدیل شود.

۱. **تشدید تنش ها بدون رویارویی مستقیم**

یکی از سناریوهای محتمل و محتمل ترین سناریو به گفته بسیاری از کارشناسان، افزایش تنش ها بدون دیگری مستقیم است، ترکیه، تحت رهبری اردوغان، نفوذ خود را در سوریه افزایش داده و از دولت جدید سلفی این کشور مانند حمایت‌های پیشین از تحریرالاشام، حمایت می کند. وزیر امور خارجه ترکیه، هاکان فیدان در مصاحبه‌ای با رویترز در ۴ آوریل ۲۰۲۵ تأکید کرد آنکارا تمایلی به رویارویی با رژیم صهیونیستی ندارد و در عوض بر تثبیت اوضاع سوریه پس از حملات هوایی رژیم صهیونیستی تمرکز کرده که توان بازدارندگی مشرق را تضعیف کرده است. در همین حال رژیم صهیونیستی عملیات نظامی خود را تشدید کرده با اجرای حملات هوایی و تجاوزهای زمینی، در تلاش است از تثبیت گروه‌های مسلح سوری، به‌ویژه آن‌هایی که تحت حمایت ترکیه‌اند، در نزدیکی مرزهای خود جلوگیری کند. پدیموت آحارنوت این تجاوزها را پیشگیرانه و در راستای مهار ترکیه توصیف کرده و نشان داده رژیم صهیونیستی برای حفظ یک منطقه خال توسعه یافته و وسیع مصمم است. این سناریو احتمال یک پن بست را مطرح و تقویت می کند، جایی که ترکیه و هم رژیم تل آویو تلاش می کنند از طریق نیروهای نیابتی اهداف خود را دنبال کنند، ترکیه از طریق حمایت از نیروهای سلفی سوری و شورشیان ارتش سوریه و رژیم صهیونیستی از طریق حملات هدفمند، بدون اینکه دیگری مستقیم رخ دهد.

۲. **تبدیل سوریه به میدان جنگ نیابتی کامل**

سناریوی دیگر این است که سوریه به عرصه یک جنگ نیابتی تمام عیار بین رژیم صهیونیستی و ترکیه تبدیل شود. رژیم صهیونیستی ترکیه را متهم می کند سوریه را به یک «مسرح زمین نیمه مستعمر» تحت الحمایه» تبدیل کرده است. این ادعا با گزارش هایی تقویت شده که نشان می دهند آنکارا در حال مذاکره برای کنترل پایگاه هوایی T4 به منظور مقابله هم زمان با داعش و سلطه هوایی رژیم صهیونیستی است. رسانه‌های ترکیه‌ای گزارش می‌شده که گزارش داده‌اند آنکارا در حال بررسی تأسیس پایگاه‌های نظامی دائمی در سوریه است؛ امری که نگرانی های رژیم صهیونیستی را درباره حضور درازمدت ترکیه در منطقه افزایش داده است.

در مقابل، رژیم صهیونیستی با حملات مداوم خود تلاش می کند این وضعیت را برهم

دولت بایدن وضع شده بود، تولید را به شدت افزایش دهد تا کاهش قیمت‌ها با افزایش تولید پوشش داده شود.

➤ **نکات**

۱. ترامپ کمک‌های مستقیم مالی خود به کشورها را کاهش دادو حالا درصددکاستن از کمک‌های غیرمستقیم است. به‌عنوان نمونه بخشی از کمک به رژیم صهیونیستی و حتی کمک به اردن از طریق تسهیل صادرات کالا از این مناطق به آمریکااست. ۲. اعمال تعرفه‌ها تقریباً تمام مراکز اصلی صادرات به آمریکا را به جز کانادا و مکزیک که توافق‌های خود با واشنگتن را بمقدار اصلاح کرده‌اند، در بر گرفته است. این مسئله نشان می دهد بخشی از هدف ورای مهار چین است و مقابله با پکن ذیل سیاست تعرفه‌ای قرار دارد.

در بیانیه کاخ سفید در خصوص اعمال تعرفه‌ها آمده است که «رئیس جمهور ترامپ تعرفه متقابل بالاتری را بر کشورهایی که ایالات متحده با آن‌ها بیشترین کسری تجاری را دارد اعمال خواهد کرد. همه کشور های دیگر همچنان تابع تعرفه ۱۰ درصد خواهند بود.»

حضور اغلب کشورهای جهان و وضع حداقل نرخ تعرفه به میزان ۱۰ درصد نشانگر اهداف وسیع جنگ تعرفه‌ای است.

۳. تعرفه‌ها باعث افزایش هزینه زندگی در آمریکا می شود اما دولت امیدوار است با بازتوزیع درآمدهای حاصله از طریق سفارش ها به شرکت های فناوری و همچنین رونق کسب وکارهای داخلی رضایت مدنی هایی در جامعه تولید شده تا غفلت نا رضایتی ها رقیق شود. در این شرایط قیمت اجناس افزایش خواهند یافت اما با بهبود وضعیت کسب وکارها و تسهیل دسترسی به مشاغل مردم آمریکا می توانند هزینه های خود را مدیریت و موازنه کنند.

۴. ترامپ با اعمال تعرفه‌ها به دنبال نشان دادن بزرگنمایی و تقویت نظام سلسله مراتبی در اقتصاد جهان است. هرچند گفته می شود چین به رقیبی بزرگ برای آمریکا تبدیل شده است، اما واشنگتن برای جلوگیری از تغییر ذهنی و اصلاح برداشت‌ها، دست به اقدامی زد تا برتری خود را به رخ همه بکشد.

۵. روسیه از اعمال تعرفه‌ها معاف شده است. این کشور تقریباً تنها کشور عمده‌ای است که خارج از لیست مامده است آن هم درحالی که تمام مجموعه‌ها و کشورهای قابل اعتنای اطرافش به آن دچار شده‌اند. «اسکات بونت»، وزیر خزانه‌داری آمریکا و «کارولین لیویت»، سخنگوی کاخ سفید گفته‌اند به این دلیل تعرفه‌ای بر روسیه وضع نشده که با وجود تحریم‌ها، اساساً تأییدی با این کشور وجود ندارد. با این حال این استدلال درست نیست. به نظر می آید آمریکا همان‌گونه که در گذشته با روسیه برخورد کرده است، بنا به دلایل موازنه‌ها خواهان حفظ و تقویت برخی جنبه‌های این کشور در مقابل چین و حتی اروپاست. به دلیل جنگ اوکراین و تحریم‌ها روسیه به میزان زیادی از نظر اقتصادی به چین وابسته شد. از سوی دیگر گرفتاری مسکو در جنگ فرسایشی اوکراین می تواند این کشور را در مقابل اروپا به شدت تضعیف کند. به نظر می رسد آمریکا همان‌گونه که در جنگ جهانی دوم برای شکست آلمان نازی به روس‌ها تدارکات رساند و پس از فروپاشی شوروی اوضاع را در روسیه ساماندهی کرد، این بار نیز می خواهد مانع از تضعیف جدی آن‌ها شود.

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

➤ **تأثیرات تعرفه‌ها بر اقتصاد ایران**

بزند. در ۱۳ فروردین، حمله هوایی رژیم صهیونیستی در عا ۹ کشته برجای گذاشت. تضاد منافع تل آویو و آنکارا، همراه با الحن تند اردوغان، این سناریو را محتمل تر کرده؛ برای مثال اردوغان در ۳۱ مارس در اظهاراتی که از سوی فاکس نیز منتشر شد، از «ابودی رژیم صهیونیستی» سخن گفت. در چنین فضای، نیروهای نیابتی نقش کلیدی بازی خواهند کرد. ترکیه از ارتش آزاد سوریه و دیگر گروه‌های وابسته حمایت خواهد کرد، در حالی که رژیم صهیونیستی احتمالاً به گروه‌های محلی مانند دروزی‌ها کمک خواهد کرد. این روند می تواند به دیگری های شدیدتر منجر شود، مشابه با نبردهایی که قبلاً در سوریه بین نیروهای مورد حمایت ایران و روسیه رخ داده بود.

۳. **درگیری مستقیم مستقیم**

اگرچه کم احتمال ترین سناریو است، اما امکان وقوع درگیری نظامی مستقیم نیز وجود دارد. ترکیه عضو ناو اتو رژیم صهیونیستی و ترکیه هر دو متحدهان آمریکا هستند، اما منافع متضادشان می تواند به یک تقابل ناخواسته منجر شود. ترکیه به دنبال جاه طلبی های نوظعنامی است و رژیم صهیونیستی سیاسی مبتنی بر تجزیه و موازنه‌یک کردن کشورهای اطراف خود و کل منطقه خاورمیانه را دنبال می کند. گزارش‌های تحلیلی از والائیز در تاریخ سوم فروردین نشان می دهد ترکیه و سوریه در حال مذاکره برای واگذاری کنترل تدر (پالمیرا) به ترکیه‌اند؛ اتفاقی که رژیم صهیونیستی آن را تهدیدی بزرگ دانسته و نسبت به «درگیری اجتناب ناپذیر» هشدار داده است، با این حال، عضویت ترکیه در ناتو و وابستگی های رژیم تل آویو به آمریکا احتمال وقوع یک جنگ تمام عیار را کاهش می دهد. تنها در صورت وقوع یک اشتباه فاحش چنین سناریویی می تواند به واقعیت تبدیل شود.

➤ **واکنش های جهانی**

از آوریل ۲۰۲۵، رقابت ترکیه و رژیم صهیونیستی بر سر نفوذ در سوریه پس‌ا‌سد توجه قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای را جلب کرده‌است. سقوط رژیم اسد در دسامبر ۲۰۲۴ موجب تغییر در تراز قدرت شده و بازیگران کلیدی به دنبال حفظ منافع خود برای ترکیه این زمین رقابت اهمیت حیاتی دارد. حمایت ۱۳ ساله ترکیه از شورشیان سلفی مخالف اسد و حمایت گسترده این کشور از به قدرت رسیدن تحریرالاشام؛ این کشور را در نزد افکار عمومی مردم سوریه و جهان عرب به مسئول بازسازی و امنیت سوریه تبدیل کرده است. جاه طلبی آنکارا برای به دست آوردن سوریه به هزینه های گرانی روی دست این کشور گذاشته است. از سوی دیگر رژیم تل آویو برای دهه‌ها موازنه‌یک کردن سوریه را جزء اولویت های سیاست منطقه‌ای خود می داند. در چنین شرایطی واکنش های جهانی و منطقه‌ای به‌ویژه موضع متحدهان ناتوی ترکیه و رژیم صهیونیستی اهمیت روزافزون دارد.

۱. **ایالات متحده**

واشنگتن که هم زمان متحدترین کشور جهان است، ترکیه است و در موقعیت دلخواهی قرار دارد. دولت جدید ترامپ تلاش خواهد کرد از تشدید درگیری جلوگیری کند. آمریکا حضور نظامی ترکیه در سوریه را توازنی در برابر ایران می بیند اما از گسترش نفوذ آنکارا نگران است. همچنین حمایت واشنگتن از نیروهای دموکراتیک سوریه (قصد باعث پیچیدگی روابطش با ترکیه شده است. از سوی دیگر لابی رژیم صهیونیستی در واشنگتن برای غیر متمرکز نگه داشتن سوریه با حمایت از نیروهای رقیب تحریرالاشام مانند قسد تلاش خواهد کرد.

۲. **روسیه**

روسیه با سقوط اسد نفوذ خود را در سوریه کاهش یافته می بیند و تلاش می کند از پایگاه‌های طرفوس و حمیمیم محافظت کند. اخبار حاکی است کرملین وارد مذاکرات با دولت جدید سوریه به رهبری تحریرالاشام شده تا نفوذ خود را حفظ کند.

۳. **عربستان و امارات**

سقوط اسد برای عربستان، امارات و اردن فرصتی برای کاهش نفوذ ایران و محور مقاومت است. این کشورها از نقش استقبال کرده‌اند از اما جاه طلبی های آنکارا و رقابت احتمالی با کشورهای جنوب خلیج فارس نگرانند. آن‌ها ممکن است برای ایجاد توازن، از فرایند های عادی سازی بین رژیم صهیونیستی و سوریه حمایت کنند.



سقوط بشار اسد در دسامبر ۲۰۲۴ قرار بود پایان تحریم‌ها و تنش‌های داخلی سوریه و ورود این کشور به جهان نرمال باشد؛ ترکیه و رژیم تل آویو که دشمنان اصلی اسد بودند هر کدام به گونه‌ای برای بیش از ۱۰ سال رویای سوریه مستقل و بدون تحریم و باثبات را به سوریه فروختند؛ اما سقوط اسد، سوریه را به زمین رقابتی خطرناک میان ترکیه و رژیم تل آویو تبدیل کرد. در حالی که سوریه تحت رهبری و ریاست موقت الشرح (محمد الحلواتی) و گروه سلفی هیئت تحریرالاشام به آینده‌ای نامشخص قدم گذاشته، آنکارا و تل آویو بر سر سرنوشت این کشور درگیر شده‌اند و این نگرانی را به وجود آورده‌اند که آیا این رقابت به یک درگیری مستقیم یا جنگ نیابتی ویرانگر تبدیل خواهد شد. لحن مقامات آنکارا و تل آویو به‌صورت روزافزون علیه یکدیگر شدید تر می‌شود و در این میان رویای سوریه مستقل و باثبات بیش از پیش دور به نظر می‌رسد.

➤ **دقیقاً چه اتفاقی درحال رخ دادن است؟ مروری بر تحولات اخیر**

سقوط برق‌آسا و شوکه‌کننده دولت اسد در عرض ۱۰ روز معادله توازن قدرت در منطقه شامات را تغییر داد؛ از یک حمله برق‌آسا از سوی تحریرالاشام و ارتش سوریه که در ادلب و مرز ترکیه و سوریه مستقر و تحت حمایت ترکیه بودند؛ با فروپاشی ارتش دولتی سوریه دمشق به دست شورشیان سلفی افتاد. در هفته‌های آغازین این شیفت قدرت چنین می‌نمود که جنگ ۱۳ ساله داخلی به پایان رسیده است، اما جنگ داخلی سوریه با ورود ذی نفعان جدید و مداخله عمیق تر رژیم تل آویو صورتی پیچیده‌تر پیدا کرده است.

تحركات اولیه

در هفته‌های اولیه پس از سقوط اسد، رژیم صهیونیستی لحظه‌ای را برای حمله به تأسیسات نظامی سوریه از دست نداد. تا اواسط دسامبر، نیروی هوایی رژیم صهیونیستی به گزارش استیتو واشنگتن بیش از ۲۵۰ حمله هوایی انجام دادو جنگنده‌ها، تانک‌ها، ابزارهای موشکی و پایگاه‌های هوایی سوریه را نابود کرد. برآو گالاتت، وزیر دفاع رژیم صهیونیستی، در ۱۵ دسامبر ادعا کرد: «اجازه نمی‌دهیم این تجهیزات به دست افراد نادرسر بیفتند.» همچنین نیروهای صهیونیست حامل بلندلی‌های جولان را به‌سرعت اشغال کردندو ارتفاعات جبل الشیخ و مناطق اطراف آن را به بهانه تأمین امنیت مرزهای خود در برابر تحریرالاشام– گروهی که ریشه در القاعده دارد– به تصرف خود درآوردند.

در همین حال، ترکیه در حال تحکیم نفوذ خود در شمال سوریه بود. آنکارا که از حمله نهایی تحریرالاشام با پهباده‌ها و اطلاعات نظامی حمایت کرده بود، تلاش کرد تا ارتش آزاد سوریه (نیروهای شورشی ارتش عربی سوریه) را در ساختار امنیتی سوریه ادغام کند. تا ژانویه ۲۰۲۵، مقامات ترکیه با دولت نوپای احمد الشرح (محمد الجولانی) وارد مذاکره شدندو پیشنهاد آموزش ارتش جدید سوریه و بازگرداندن میلیون‌ها پناهنده سوری از خاک ترکیه را مطرح کردند.

تشديد تنش‌ها

تنش‌ها در اوایل ۲۰۲۵ افزایش یافت. در ژانویه سال جاری میلادی (دی سال گذشته)، رژیم صهیونیستی نفوذ خود را در جنوب سوریه گسترش داد، به دروزی‌ها کمک‌های مالی و لجستیکی قابل توجهی ارانه داد و خواستار خلع سلاح استان‌های درعا، قنيطرة و سویدا شد؛ مناطقی که به‌طور خطرناکی به مرز رژیم صهیونیستی نزدیکند. ترکیه نیز با تقویت حضور نظامی خود در شمال، با نیروهای دموکراتیک سوریه کمک– گروهی که آنکارا را از مرزهای با حزب کارگران کردستان (پ. ک. ک.) تروریستی می‌داند– درگیر شد. در ماه مارس (اسفند سال گذشته)، آشوب‌های فرقه‌ای، مذهبی و طائفی در سوریه به بالاترین حد خود رسید، از جمله مهم‌ترین وقایع این ماه حمله نیروهای تحریرالاشام به روستاهای علوی نشین ساحل سوریه و قتل عام